

یادداشت‌های مرحوم حافظ نور محمد «کهگدای»

قسمت «نهم»

فتح «زنه خان» و مذاکرات سرکردگان

بعد از آنکه مقدمه «زنه خان» بفتح امیر شیر علی خان مرحوم تمام شد و سرکردگان به خیمه های خود برگشتند، لعل محمد خان پیش خدمت، حسین علیخان، صفدر علی خان، حبیب الله خان، و خدای نظر خان در یک خیمه جمع شده از نقل و گذارشات این جنگ و اظهارات خوش وقتی ازین فتح در بین خود گفتند : اینک ما الحمدالله جنگ را فتح کردیم و کابل بدون مانع ماند که آنهم خواه مخواه در قبضه ماست، یعنی گویا ما پادشاهی را برای بادر خود یکطرفه کردیم اما دیده شود که امیر با ما چه خواهد کرد.

حسین علی خان گفت : من از جوانی تا حال نزد شان بوده و هستم اگر مرا صد سوار نوکر و خانی چندول را بدهد قناعت و افتخار منست.

صفدر علی خان برادر حسین علی خان گفت : من از اول سرداری شان صندوق دار شان بودم و حالا اگر صندوق دار کل شوم گویا به حال من عنایت کامل شده باشد.

حبیب الله خان وردک گفت : اگر برای من سرکردگی کمند ها داده شود عین نوازش است.

خدای نظر خان وردک گفت: من هم خانی وردک و صد سوار نوکر میخوام.

چون در بین ایشان لعل محمد خان پیش خدمت هم بود از «گپ کشی» او همه بهراس افتاده، بوی گفتند : او خانه خراب! تو شخصی هستی که نخود هم در دهن تیر نمیشود، هوش کنی که باز فوراً این جلسه و مذاکره ما را به امیر صاحب نرسانی ورنه نزد امیر صاحب خجالت بسیار خواهیم کشید و برای ما کچگی بار خواهد آورد.

همینکه لعل محمد خان مرخص شد همان ساعت امیر شیر علی خان از خیمه کلان که مجلس بود، برآمده به خیمه خواب تشریف برد. لعل محمد خان پیش خدمت به حضور مشرف شده و به کشیدن دریشی امیر مصروف شد، اما وقتیکه امیر صاحب به چارپایی نشسته و پتلون را از پا میکشید ناگهان لعل محمد خان را خنده گرفته و پُخ زد. امیر

صاحب متحیر شده و با تعجب پرسید : چرا خندیدی؟ وی گفت : صاحب ! بهتر است که سبب را نه پرسید. چون امیر شیر علی خان اصرار ورزید وی ناچار گزارشات مذاکرات خیمه را یک بیک بیان کرده گفت : صاحب ! اگر آنها را با این مسئله ملزم بسازید یا درین موقع بخواید، مرا بی اعتبار میسازید و آنها فردا مرا تف و لعنت میکنند اما امیر صاحب که مشوش شده بود آنها را فوراً احضار نمود و اولتر از همه حسین علی خان باریاب گردید و چون پادشاه صرع و صمیم بود از طرف رفقا هم مامور جواب سوالات امیر صاحب شده بود.

امیر صاحب به وی گفت : کابل را نا گرفته شما سلطنت را تقسیم کردید؟ حسین علیخان گفت : بلا گردان شوم! ما آخرین جدیت خود را کردیم و اینک الحمدالله شاهد فتح را در آغوش گرفتیم، چون وقت ما خوش بود از روی دل خوشی این سخنان را در بین هم مزاحاً گفتیم، حالا که شما قهر شده اید از گفتار خویش عفو بادر خود را تمنی داریم.

امیر صاحب فرمود: نایب سالاری بتو مبارک! و اشاره به صفدر علی خان گفت : نایب الحکومگی قندهار بتو مبارک به حبیب الله خان گفت : جانم ! دگر کار نبود که به سرگین های کمند اسپان دل خود را خوش کردی، مستوفی گری کل افغانستان بتو مبارک. به خدای نظر خان حاکمی وردک را داده و علاوه نمود: اکنون شما بیغم به خوابگاه تان بروید و بگذارید که من هم بیغم خواب کنم .

باغ نواب

باغ نوابی که نزد مردم کابل شهرت دارد، باغ «نواب جبار خان» است که باغ نهایت سبز و خرم بود و در آنوقت از باغهای مشهور کابل بود علاوه از این باغ، سرای حاجی خانه و حمام کاه فروشی که تا حال پا برجاست هم از اوست. این نواب جبار خان در زمان امیر کبیر حاکم کابل بود. در آنوقت کمی قیمتی شده و آرد فروشان از نرخ معینه یک پاو کمتر میدادند. حاکم مذکور گوش یکی از آرد فروشان را میخ کرده و جهر گشتاند که بر علاوه آنکه از نرخ تجاوز نشود فردا هر دکاندار ولو از هر صنفی که باشد باید در دوکان خود فلان مقدار آرد به نظرگاه مردم بگذارد. بنابراین فردا در تمام دکانهای بازارهای کابل به همان مقدار آردی که حکومت گفته بود دیده میشد.

داکخانه

در عصر اعلیحضرت امیر شیر علی خان داکخانه «پسته خانه» جزء «دبیری» بود و این الحاق تا اوایل جلوس امیر عبدالرحمن خان دوام داشت که بعداً امیر موصوف دبیر آنرا جدا کرد. داکخانه در وقت امیر شیر علی خان بوضع حالیه وزارت دربار بود و دهباشی آن میرزا امیر محمد ولد میرزا سر انداز بلوچ بود و زیر دست آن میرزا محمد حسین گدی که یک آدم کلوله و مزاقی بود و پایان از دهباشی نشسته و یک ترازوی مثقالی پیش رو میداشت بعد از فوت میرزا محمد حسین گدی، میرزا مصطفی کشمیری پدر میرزا محبتی خان مقرر شد. وقتیکه موصوف فوت کرد امان الله خان در وقت عین الدوله گی خود عبدالله بیگ پدر یحیی خان طرزی را مقرر کرد و تشکیلات لازمه آنرا نیز مرتب نمود.

باغ نمله و چارباغ صفا

شاه جهان مانند بابر شاه کابل را بسیار دوست داشت و آبادی های فراوانی در افغانستان بنا نهاده است چنانچه در ۱۰ رجب ۱۰۵۷ قمری که مصادف به سال ۲۱ جلوس شاه جهان میباشد باغ نمله «مشرقی» را که یک سال قبل آن مشتمل بر سه دست عمارت مقبول اساس یافته بود باتمام رسانید چون باغ مذکور بسیار سرسبز و قشنگ بود به باغ روح افزا موسوم گشت. و چارباغ صفا «در بهسود جلال آباد» که بنا نهاد حضرت فردوس مکان بابر است به یمین قدم مبارک شاه جهان طراوت و زیبایی بی اندازه پذیرفت که برای خوشی و سرور اهالی این باغ را سراسر چراغان و جشن کردند. باید علاوه کرد که انار این باغ و باغ وفا به رنگینی، شادابی و خوش مزگی مشهور آفاق است.

قلعه ارگ کابل

قلعه ارگ کابل که سراسر از سنگ و آهک در مدت دو سال به مصرف دو لک روپیه که در آن زمان پول فراوانی بود به اهتمام غزی بیگ رسید. این قلعه گلی در کمال استحکام و مقبولی بعرض ۵ گز و ارتفاع ۸ گز بنا یافته که دورادور قلعه مذکور که شش هزار و ششصد گز را احتوا میکرد به دورا دور شهر کابل به احتمال تابینان امیرالامر صورت اهتمام یافت و مورد پسند نظر فیض اثر افتاد بنابراین امیر موصوف ۴۰ هزار روپیه را برای مرمت قلعه غزنی و ۳۰ هزار روپیه دیگر را جهت بنای قلعه چهاریکار مرحمت فرمودند.

فرامین امانی در ۱۲۹۸ شمسی

- اعلیحضرت امان الله خان در سال اول جلوس یک تعداد فرامین را جهت اصلاح و بهبود امور کشور صادر نمود:
- بوزارت مالیه امر داده شد که ۲ لک سه شاهی گی، ۲ لک سناری و ۲ لک یک شاهی گی ضرب زده شود.
- بعد از آنکه مالیات شش گروهی نقد شد، ملک اصغر خان و میرزا عبدالخالق خان سرشته داران سابقه آن موقوف و امور آن به میرزا محبتی خان تعلق گرفت.
- عالی جاهان فضل احمد خان کرنیل کندک اول غند دارالسلطنه و محمد اکبر کمیدان کندک دوم غند دارالسلطنه برای خدمت در بخارا و فرغانه مقرر شدند. فرمان آن بنام عبدالعزیز خان یاور حضور صادر شده بود.
- ناظر داخله علی احمد خان بروز چهارشنبه ۱۶ ذیقعد ۱۳۳۷ قمری داخل کابل شد و پوره بساعت چهار و نیم عصر درچمن حضوری یک غند نظامی ملبس به لباس رسمی با باجه، او را استقبال نمودند و ۵ توپ به استقبال او فیر شد. و فرمان بنام محمد نعیم خان است و بعداً علی احمد خان مذکور برای مذاکره صلح به راولپندی مقرر شده بود.
- در اوایل ماه سنبله شاه محمود خان جرنیل ملکی و نظامی و حاکم کلان سمت جنوبی و سردار درجه اول، به معاش ماهانه ۸۳۳ روپیه مقرر شدند و یکماه بعد عبدالقدوس خان صدراعظم از قندهار خواسته شد.
- به فرمان تاریخی ۲۴ اسد به جرنیل خزانجات حکم شد که عرض و داد مردم و رعایا را نایب الحکومه ها، حکام و کارداران بعد ازین به کاغذ سفید نشنیده به کاغذ های چاپی نشاندار که قیمت آن یک عباسی میباشد، بنویسند شما ازین کاغذها که به تحویلی تان است برای حکام فرستاده، وجه آنرا به جمع آن ضم کنید.
- درهمین روز فرمانی بنام محمد ابراهیم خان وزیر عدلیه صادر و در آن امر شد که منبهد در فرامین و نامه های رسمی دولت، سنه و ماه شمسی را به عوض ماه قمری بنویسند و عرض و داد در عرایض چاپی تحریر گردد.
- در فرمان ۲۹ اسد اسمی میر محمد علیخان خطیب امر شد که در آینده خطبه را به فارسی یا پشتو بخوانند تا همه مستمعین بفهمند.
- به وزارت معارف طی فرمان جداگانه بروز ۲۹ اسد امر شد که ۳۳۰ دست دریشی، کلاه، بوت، نشان و طبراق تا ایام عید برای طلاب معارف بسازند.
- در اخیر ماه اسد فرمانی به نام میرزا محمود خان وزیر مالیه امر شد که بعد ازین در حسابات دفاتر دولت و سایر موسسات تجاری و غیره دینار گرفته نشود.

- بروز اول سنبله برای وزارت معارف طی فرمان جداگانه ، اجازه طبع و نشر مجله معروف معارف داده شد.

تخته پل

شهر تخته پل را امیر محمد افضل خان بن امیر کبیر دوست محمد خان بنا کرده بود. گویند مساحت سطحی این شهر چهل جریب بود. حالا هم فصیل آن موجود و آباد میباشد اما داخل شهر را کشت مینمایند و متعلق به حکومت است. اجاره این زمینها سالانه یک لک افغانی بود. در وقتیکه امیر محمد افضل خان این شهر را آباد میکرد مزد مزدورکار فی روز ۲ پیسه بود و در آنوقت یک «بُخار» (یک بخار مساوی ۳۲ سیرکابل معادل ۱۶ سیر مزار شریف میشد) گندم را ۵ تنگه که مراد از یک روپیه و دو تنگه باشد میدادند.

من ساعت ۴ روز ۳ شنبه ۲ ثور ۱۳۳۷ مصادف به روز دوم یا سوم عید فطر در مسجد شهرک تخته پل مزار شریف بودم این یگانه مسجدی بود که از گذشته ها درین شهرک باقیمانده که آنهم از بس شکسته و ریخته است که انسان بدون ترس و لرز در آن داخل شده نمیتواند. بروی دیوارهای این مسجد مبارک از طرف داخل پلستر چونه شده بود که نمایندگی از ساختمان های آنوقت را میکرد ولی اکنون اکثر جاهایش را باران خراب کرده دیوارها را سوراخ ، گل و لوش را در صحن مسجد هموار کرده است. خلاصه در آنوقت این مسجد خیلی قشنگ و زیبا بود. در دیوارهای مسجد این شعار نوشته شده بود :

شد تمام این خانقه پرنور از فضل خدا تا عبادت گاه گردد بر همه شاه و گدا
ای خدا آباد داری دایماً این خانه را هرکه ببند این سرا سازد دعای خیر ما